

نویسنده : اندر ویچک (Andre Vlcek).

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2-1-2016».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

سوریه ستا لینگراد شرق میانه

Syria ist the Middle East Stalingrad

انفارمیشن کلیرنگ هوز «2-1-2016»: سالهای چندی است که روز و شب و بیدون وقفه یک نیروی ضارب قلع و قمع کننده بیرحم یک ملت آرام و ساکت را در گهواره تمدن مجروح و در تحت ضربات خوردکننده ای خود قرار داده است .
صدها و هزارها انسان های این گهواره تمدن ناشی از هجوم و تاخت و تاز های این نیروی بیرحم محکوم بمرگ شدند شماری زیاد از آنها مجبور به ترک کشور و در کشورهای بیرونی آواره و عده ای دیگر آنها از قرا و قصبات و شهرهای خود بیجا و سرگردان شدند و هرگز در هیچ یک قریه خانه ای دست نخورده باقی نماند که طعم تلخ تهاجم این نیروهای آدم کش و ویرانگر را نه چشیده باشد .
و اما این سوریه است که در مقابل این همه تهاجمات و یورش های نیروهای خرابکار همچو دژ استوار پا برجا مانده است .



مخروبه های دمشق ناشی از جنگ

در مدت زمان سه سال گذشته تقریباً اکثر و تمام حصص و ساحات سوریه گشت و گذر و کار کرده ام و زمانیکه دولت اسلامی عراق و سوریه هسته گذاری و ایجاد میشد و یا وقتیکه (ناتو) پایگاه و مقعر خود را در ترکیه و اردن تهداب گذاری میکرد من از نزد یک

به آن روبرو و مواجهه بودم من در بلندی های اشغال شده گولان سوریه و در عراق کار کرده ام من همچنان در « لبنان » کشوری که اکنون با جبر و فشار پذیرفته است که تا بیش از دو میلیون آواره و پناهنده را که اکثریت آنها سوری هستند میزبانی نماید . یگانه دلیلی که چرا غرب به بی ثبات ساختن مصیبت بار سوریه آغاز به کمپیان نمود یک دلیل آن نا فرمانی مردم و دولت سوریه و دلیل دیگر آن ماهیت سوسیالیستی دولت سوریه بود که برای غرب قابل تحمل نبود چونکه دولت سوریه میخواست تا در مدت کوتاه برای مردم کثیرالملت خود در همکاری و در وابستگی با آنها رفاه همگانی را فراهم سازد .

کم و زیاد بیشتر از دو سال قبل یک دوست فلم ساز « اندونیزیایی » ام خواست تا باخشونت و خشم فراوان به یک پرسشی چنین پاسخ دهد - « بسیاری از مردم سوریه در حال مرگ و نابودی اند ! ایا واقعاً ارزش آن را دارد که همه بمیرند؟ من فکر میکنم که برای سوریه سهل و بهتر خواهد بود که ایالات متحده امریکا را بگذارد هر آنچه که میخواهد بکند » یا به اصطلاح عامیانه هر بدی را که انجام میدهد بدهد . خانم جوان از مدت ها قبل شدیداً گیج شده همیشه در جستجوی راه حل آسان که او را همچو دیگران در عین سن و سال بتواند در آامن و مصونیت و برخوردار از مزایای زندگی حفظ نماید در تلاش ایجاد و انکشاف یک سیستم پیچیده ای دفاع از خود فارغ از خیانت و فریب بود .

لذا بادر نظر داشت آنچه که در فوق از آن یاد نمودیم چگونه میتوان به همچو پرسشی پاسخ داد ؟ سوالی که روی هم رفته مشروع و قانونی میباشد .

ادوارد گالینو (Eduardo Galeano) بمن (به نویسنده این مقاله یا به این قلم) گفت : مردم خود میدانند که چه وقت باید بجنگند . ماحق نداریم که آنها را دیکته کنیم و یا نظر خود را بالای آنها بقبولانیم ... اما وقتیکه آنها در مورد تصمیم گرفتند در آن صورت این وظیفه و مجبوریست ما خواهد بود که آنها را در راه نیل به هدف شان حمایت نمایم ولو که آنها با ما برخورد نیز بنمایند .

بنابا در نظر داشت این اصل مردم سوریه باهم تصمیم گرفته اند و یا باهم فیصله نموده اند که نه دولت و نه هم کدام نیروی سیاسی نمیتواند تا تمام ملت را به چنین قربانی و فداکاری فوق العاده برانگیزد و یا وادار سازد - آنچنانیکه روسیه در جنگ دوم جهانی انجام داد و قسمیکه سوریه اکنون آنرا انجام میدهد .

من دو سال قبل در پاسخ یک پرسشی چنین گفتم « من شاهد فروپاشی کامل شرق میانه بودم و آن اینکه هیچگونه مقاومت و از خود استاده گی بچشم نمیخورد و یا اصلاً وجود نداشت کشوریها یکه برای خود مسیری رابرگزیده بودند همه بخاک یکسان شد . یعنی کشورها یکه به دیکته و فرمان غرب سرتسلیم فرو آوردند آنها روح و روان و فرهنگ و سرشت و ماهیت ملی خود را از دست دادند و به بدبخت ترین کشورها و مکان ها روی

زمین تبدل شد ند که اکنون همه ما آن کشور هارا باچشمان باز خود میبینیم روی این دلیل سوریه این اصل را درک نمود که اگر کشور شان توسط غرب در تحت محاصره قرار گیرد و یا بر کشورشان نفوذ پیدا کند سرنوشت سوریه نیز همچو عراق و یمن و لیبیا و حتی افغانستان خواهد شد .

لذا سوریه بخود آمد و تصمیم گرفت که برای آزاد ماندن خود و آزاد ماندن جهان از اسارت غرب به پا خیزد و بجنگد .

جای تعجب نیست که مردم سوریه تکرار در تکرار خودشان حکومت خود را انتخاب کردند و به این موضوع آرتش سوریه بیشتر عطف توجه کرد - لذا هر آنچه غرب میگوید و یا هر آنچه که سازمان های غیر دولتی خاین هر چه مینویسند بنویسند - اما آنچه که هویدا است اینست که به سادگی منطق این موضوع را ثابت میسازد .

این ملت متواضع چون از خود رسا نه ای قوی و نیرومند ندارد تا که بتواند رنج و دلاوری خود را با جها نیان به اشتراک گذارد . این همیشه دیگران اند که به ارتباط مبارزه خود از بکارگیری راهها و وسایل مخوف اظهار نظر مینمایند یا به عباره دگر این دیگر ها اند که که با اظهار نظر شان دیگرها را میترسانند .

موضوع قابل تذکر اینکه نباید از آن منکر شد که اتحاد جماهیر شوروی پیشروی المان نازی را در ستالینگراد متوقف ساخت همچنانیکه اکنون دولت سوریه در صد متوقف ساختن فاشیست های اتحادیه غرب در یک بخشی از جهان یعنی در سوریه است . از اشتراک مستقیم روسیه در جنگ سوریه علیه مخالفین دولت سوریه نباید چشم پوشی کرد و یا از هیچکس پنهان نیست از اینکه چین بشکل نیمه علنی در این جنگ بطرفداری از دولت سوریه اشتراک نداشته باشد ایران نیز از طریق حزب الله که مقعر آن در لبنان میباشد سوریه را در جنگ علیه تروریستها و هیولاهای خلق شده غرب حمایت می نماید هیولاهای که توسط خود غرب و ترکیه و عربستان سعودی حمایت تسلیحاتی و مالی میشوند من اغلباً این نوع حمایت روسیه و چین و ایران و حزب الله لبنان را در جنگ علیه مخالفین دولت سوریه به نمایندگی از دمشق مبارزه حماسوی توصیف نموده ام .

ولی افتخارات و کردیت از آن مردم سوریه است !

بلی اکنون این سوریه زخم برداشته و سوخته است که همچو دژ استوار پابرجا استاده است .

طبق گزارشات وسیع رسیده و تایید شده از هنگام اشتراک روسیه در جنگ بخاطر نجات مردم سوریه تقریباً یک میلیون انسان بخانه های سوخته و خاکستر شده و تخریب شده خویش برگشته اند ولی با وجود آن همه تلخی ها و مشکلات باز هم برای مردم همان خانه های سوخته و خاکستر شده خانه و مسکن است .

هما نظوریکه «70» سال قبل مردم در ستالینگراد دوباره بخانه های خود بازگشتند .

لذا پاسخ من به این سوال اکنون چه است؟ آیا راه آسان و سهل نسبت به راهای دیگر تسلیمی به امپراتوری نیست؟
من چیزی شبیه به این حدس میزنم.

« مفهوم زندگی - زندگی با ارزش است در صورتیکه برخی از شرایط عمومی زندگی را بتواند برآورده سازد، داشتن عشق بزرگ به سرنوشت یک شخص دیگر و کشور دیگر به انسان دوستی و به ارمان دیگران خیانت نیست و اگر کسی همچو عشق را نداشته باشد بهتر آن بود که او اصلاً تولد نمیشد.»

فلذا من چنین میگویم: هدف از بقای نوع بشر برای مدت کوتاه ترس از بدست نیاموردن منافع و مصونیت شخص میباشد - درحالیکه بقای همه ما در ایمن بودن همه انسانها نهفته است و یا ریشه ای محکم دارد که نباید این حقیقت را نادیده پنداشت. {

هرزمانیکه زندگی و حیات انسانها تحت تهدید و شانتاژ قرار گرفته است مردم بخاطر بقای خود قیام نموده و علیه شررپیشه گان و جنگجویان جنگیده اند که در طول این لحظات جنگ و جدال برخی از فصل های به یادماندنی در تاریخ بشر نوشته های چندی به یادگار مانده است. با تاسف که در طول این لحظات میلیون ها انسان زندگی و حیات خود را از دست داده اند.

اما ویرانیها از آنهایکه در دفاع از نژاد بشریت جنگیده اند باقی نمانده است یعنی مسول ویرانیها آنها نیستند که بخاطر دفاع نژاد بشریت جنگیده اند.

اکنون به همگان هویدا است که این هیولا های خلق شده بدست امپریالیزم بخاطر تامین منافع امپراطوری دنیای ما را مواجهه به تهدید و شانتاژ ساخته اند. چنانچه اکثریت ما دنیای فارغ از هرگونه خشونت را بخواب می بینیم و ما میخواهیم که همه ما در روی این سیاره خاکی زندگی پر از مهربانی واقعی و فارغ از هرگونه ناملاطمت های زندگی داشته باشیم. لذا ضرور پنداشته میشود که برای ایجاد و اعمار همچو جامعه انسانی کار خستگی ناپذیر را انجام دادویا بهتر است گفته شود و آن اینکه تا زمانیکه این همه افراطیون خشن - خودخواه - حریص و طامع را مواجهه به شکست نسازیم ناممکن است که به هدف خود نایل آیم یعنی جامعه پر از مهر و محبت و متواضع را که در آن همه بشریت زیست آرام و باهمی بنمایند اعمار نمود.

درستالینگراد میلیون ها انسان بخاطریکه ما زنده بمانیم مردند در شهر به جز از چند میله ذوب شده پولاد و تکه پارچه های خشت پراکنده و اقیانوس اجساد چیزی دیگر باقی نمانده بود - نازیسم متوقف شده بود ولی اینبار توسعه طلبی غرب در عقب نشینی بطرف برلین آغاز و گسترده شده بود.

اکنون سوریه بیدون سروصدا و خاموش همچو واقیون قهرمانان در مقابل پلانهای

تباه کننده غربی ها - قطری ها - اسرائیلی ها و سعودی ها و ترکها به پاخاسته اند تا نگذارند که شرق میا نه بخاک یکسان شود .

بُرد با مردم سوریه است و اینکه این بُرد چه وقت میسر میشود و تا چه زمان دوام میکند من نمی فهمم اما آنچه که ثابت شده است اینست که یک کشور عربی هنوز هم میتواند نیرومند ترین گروه ترکان و مغلان را شکست مرگبار دهد که این کشور عربی همین سوریه قهرمان است .

----- **با تقدیم سلام**